

درباره فیلم «تی‌تی» آیدا پناهنده
دستانی که نور را لمس می‌کنند آتش را در می‌نوردند و ...

صفحه ۱۲

کیومرث مرادی کارگردان «آزی‌دهاک» در گفت‌وگو با «ایران»:

نباید از تباطمان را با آینده‌مان قطع کنیم

صفحات ۱۰ و ۱۱

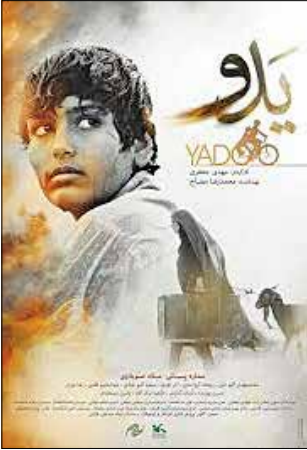
از قهرمان کودک تا کولی قهرمان

■ پدو، کودک قهرمان

پدو را هم می‌توان در ذیل ژانر جنگ قرار داد هم ژانر کودک و نوجوان. مهدی جعفری پیش از این فیلم ۲۳ نفر را ساخته بود و کولی به‌نظر می‌رسد تلاش او برای به تصویر کشیدن واقعیت‌های ناگفته جنگ است که به آن پرداخته نشده. فیلم به ماه‌های آغازین جنگ عراق علیه ایران برمی‌گردد

که شهر مرزی آبادان در محاصره کامل دشمن قرار می‌گیرد. پدو به‌همراه مادر، برادر و خواهرش از جمله کسانی هستند که جایی برای رفتن ندارند. زندگی در شرایط محاصره و گلوله باران شهر از سوی دشمن هر روز برای آنها دشوارتر می‌شود. پدو برای مراقبت از جان خانواده خود تلاش می‌کند تا راهی برای خروج از این شرایط بیابد. در واقع پدو در طول قصه بتدریج به یک قهرمان بدل می‌شود همچنانکه به موازات آن از حیث روانشناسی در حال تبدیل شدن به یک مرد است. نوجوانی که عطش مرد شدن دارد و حالا این شرایط بحرانی ناشی از جنگ شرایط قهرمانی و مرد شدن او را زودتر فراهم می‌کند. پدو از جمله فیلم‌های اقتباسی امسال است که از کتاب «زخم شیر» اقتباس شده و البته تجربه‌های زیسته کارگردان که نوجوانی خود را در جنگ گذراند به پردازش آن کمک کرده است. ضمن اینکه می‌توان آن را فیلم شهری هم دانست که در بستر جنگ صورت‌بندی شده است. در واقع در اینجا خود شهر به عنصر دراماتیک بدل شده و بخشی از هویت سینمایی فیلم می‌شود. روزی روزگاری آبادان که در جشنواره امسال حضور داشت و سال پیش فیلم آبادان یازده شصت هم از جمله فیلم‌هایی بودند که شهر را در نسبت با جنگ یا جنگ را در نسبت با شهر در قصه خود روایت کردند و به تخریب‌هایی که یک شهر جنگ زده تحمل می‌کند از یک سو و مقاومت و ایستادگی یک شهر در برابر دشمن می‌پردازد. از این‌رو میزانشن در اینجا کارکردی فرادراماتیک پیدا کرده و جغرافیا به کانون متن بدل می‌شود.

ضمن اینکه پدو را می‌توان مقاومت و پایداری خانواده‌های آبادانی در زمان جنگ دانست و ستایش مردمانی که بیش از همه هزینه جنگ را پرداخت کرده‌اند. پدو در واقع برشی است از داستان حصر آبادان که البته به احیای سینمای کودک و نوجوان هم کمک می‌کند و یادآور فیلم‌های ماندگاری است که در این ژانر ساخته شده است. شاید که نه قطعاً یکی از نقاط قوت فیلم بازی نوجوانی به اسم میلاد صوبلاوی است که در نقش «پدو» ظاهر می‌شود. انگار به شکل غریزی بازیگر است و یادآور بازیگران نوجوان فیلم‌های امیر نادری. چنان بازی درخشانی دارد که حتی اگر فیلم را



هم دوست نداشته باشید می‌توانید از تماشای بازی او لذت ببرید. در واقع او با اینکه یک بازیگر اولی است اما در برابر بازیگر حرفه‌ای ستاره پسرانی براجتی بازی می‌کند و در کل فیلم هم در نقطه‌کانونی توجه مخاطب قرار می‌گیرد. با این همه فیلم از حیث مصالح داستانی لاغر است و برای تغییر قضا و شتاب بخشیدن به ریتم بیشتر به حادثه اکتفا می‌کند تا یک موقعیت دراماتیک. انفجارها که به شکل موتیف وار تکرار می‌شود در واقع به مثابه پاساژهایی است که قرار است فواصل مختلف فیلم را به هم وصل کند. پدو به پردازش داستانی بیشتر یا داستان‌هایی نیاز داشت تا جاهای خالی سکانس‌ها را با قصه خود پر کند. مثلاً به‌جای تکرار مدام کشمکش‌های مادر و پدر می‌شد خرده داستان‌هایی به آن اضافه کرد تا قصه در عمق بسط بیابد و پیش برود نه اینکه خود خودش بچرخد.

■ تی‌تی، تولدی دوباره

به‌نظر می‌رسد که باید «تی‌تی» را راپان یک سه گانه برای سینمای آیدا پناهنده دانست که عناصر مشترک آن جغرافیای شمال و تنش و آسیب شناسی روابط عاطفی و انسانی بود. اگر خود کارگردان هم آنها را مجموعه یک سه گانه بداند بدون شک «تی‌تی» بهترین فیلم این سه گانه است که جهان سینمایی فیلمساز در آن به کمال می‌رسد. قصه و کارگردانی را هم کنارنگذاریم هم بازی شدن دوباره «الناز شاکردوست» و «هوتن شکبیا» پس از فیلم «شبی که ماه کامل شد» و «ایلق» کنجکاو مخاطب را برمی‌انگیزد و فیلم هم البته از فیلم‌های موفق است که شگش گیشه خواهد شد. به این موارد اضافه کنید حضور و بازی متفاوت و خوب «پارسا پیروفر» را که نظر تماشاگر را جلب می‌کند. «تی‌تی» اما یک الناز شاکردوست درخشان دارد که حتی پیش از فیلم ایلوق و ریزه کاری‌های بیشتری توانستند توانمندی این بازیگر و رشد گام‌به‌گام او را نشان دهد. شخصیت محوری قصه نام کامل فیلم هم است خود اوست. «تی‌تی» یک زن جوان کولی است که شغلش نظافتچی بیمارستان است و جهت تأمین هزینه‌های زندگی‌اش برای زوج‌هایی که نمی‌توانند بچه‌دار شوند، رحم اجاره‌ای در اختیارشان می‌گذارد. او بواسطه آشنایی با دکتر ابراهیم (پارسا پیروفر) با تجربه تازه‌ای از خودش و زندگی مواجه می‌شود و در واقع به شناخت تازه‌ای از خود می‌رسد. به‌عبارت دیگری تی‌تی دچار یک خودآگاهی شده و جسارت هویت‌یابی بر اساس این درک تازه را هم پیدا کرده است. در واقع جمع آگاهی و اراده از او در پایان فیلم آدم دیگری می‌سازد.

خود شخصیت تی‌تی بیش از هر کس دیگری در کانون روایتی روانشناختی از قصه قرار دارد که می‌توان آن را در تولد دیگر یک زن کولی صورت‌بندی کرد. ضمن اینکه فیلم بواسطه تی‌تی به یک موقعیت و وضعیت زنانه- اخلاقی هم می‌نگرد. به این معنا که نسبت عاطفی و مالی بارداری با رحم اجاره‌ای را در زیر پرده قصه در جهان فکری مخاطب طرح می‌کند و به آن اعتبار می‌بخشد. به این معنی که «تی‌تی» که نواز زوجی را باردار است، تصمیم می‌گیرد که بچه را نگه دارد ولی تهدید می‌شود که ممکن است به‌خاطر این کار پایش به دادگاه باز شود. هنگامی که دکتر بچه او را به

دنیا می‌آورد، زنی که صاحب اصلی بچه است وارد اتاق می‌شود اما «تی‌تی» به او می‌گوید که حتی یک سلول از این بچه متعلق به تو نیست. در واقع فارغ از چالش اصلی فیلم که بین تی‌تی و همسرش امیررضا و ابراهیم شکل می‌گیرد فیلم سرشار از ارجاعات اخلاقی و اجتماعی است که می‌تواند آن را در تأویل‌های فرامنتی‌اش غنی کند. نمی‌توان براجتی ازبازی خوب هوتن شکبیا گذشت. او در اینجا حتی از «ایلق» هم درخشان‌تر است و به‌نظر می‌رسد در داوری‌های جشنواره امسال نسبت به او بی‌مهری صورت گرفته است. فیلم را در یک قرائت کلان‌رنی می‌توان تقابل با دیالکتیک بین «آرمان گرایی» و «واقع گرایی» یا از منظر دیگری بین «عشق» و «وظیفه» دانست که شخصیت ابراهیم و تی‌تی در دو سوی این نسبت‌های دوقطبی قرار می‌گیرند و در نهایت واقع‌گرایی و عشق پیروز می‌شود. به‌نظر می‌رسد آیدا پناهنده نواسته در تی‌تی به شکل کامل‌تری جهان ذهنی‌اش را در جهان سینمایی‌اش به نمایش گذاشته و فرصتی برای اندیشیدن درباره روابط آدم‌ها با خودشان و دیگران ترسیم کند.



هوتن شکبیا، فاطمه معتمد آریا، سیاوش حکمت شعار و روح‌الله حجازی در پاسخ به «ایران» از چالش‌های حرفه خود گفته‌اند

رو به روشنایی

حامد قریب
خبرنگار

در حاشیه برگزاری نشست‌های خبری سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر در برج میلاد تهران، فرصتی دست داد تا با چند چهره سینمایی که کمتر در دسترس هستند، به گفت‌وگو بپردازیم؛ در متن پیش‌رو روح‌الله حجازی کارگردان فیلم «روشن» درباره روایت تلخ، اما روشن فیلمش گفته است. فاطمه معتمد آریا بازیگر فیلم «روزی روزگاری آبادان» از ایفای متفاوت نقش‌های مادرانه صحبت کرده است. هوتن شکبیا بازیگر فیلم‌های «ایلق» و «تی‌تی» درباره (استقبال از) چالش‌های تازه در بازیگری گفته است. سیاوش حکمت شعار بازیگر فیلم «ایلق» جنس متفاوت همراهی نرگس آریار را دلیل بازگشتش به سینما بعد از سال‌ها دوری عنوان کرده است.

■ امیدوارم همه چیز «روشن» شود

فیلم‌های «روح‌الله حجازی» همواره با روایت چالش‌های زن و شوهری، نقدهای موافق و مخالفی همراه بوده است. فیلم «روشن» روایتی تلخ از زندگی مردی با بازی رضا عطاران است؛ در نشست خبری این فیلم موتیف سؤال‌ها تعبیرهایی از جنس نشانه‌گذاری و تطبیق فیلم با جامعه کنونی بود که آقای کارگردان همه آنها را رد کرد.

حجازی درباره دلیل این بازخوردها به «ایران» توضیح داد: «این موضوع به سابقه من و فیلم‌هایی که قبل از این ساختم بر می‌گردد، چراکه معمولاً فیلم‌های قبلی من نیز به این صورت بوده و همیشه به سراغ موضوع‌های خط قرمزی رفته‌ام ولی روی لبه حساسی حرکت کرده‌ام. به این ترتیب برداشت‌ها و تعبیری از این شکل کاملاً طبیعی است.»

او در توضیحات تکمیلی افزود: «به‌هر حال فیلمی ساختم و دست روی موضوع‌های اساسی گذاشتم که می‌تواند بازخوردهایی به این صورت به همراه داشته باشد.»

این کارگردان در ادامه بیان کرد: «علاوه بر این معمولاً سعی کردم در چارچوب قواعد و قوانین عمل کنم تا هم به قانون احترام گذاشته باشم و هم نگاه سینمایی‌ام را حفظ کنم. به همین دلیل هم، در نشست خبری فیلم به این موضوع اشاره کردم که در حال رسیدن به یک زبان و فرم هستم که به آن شکل، داستان خود را بیان کنم.» حجازی همچنین درباره پایان تلخ زندگی شخصیت روشن گفت: «این تلخی را که می‌گویند باور ندارم. سکانس تلخی که از آن صحبت می‌کنید، بین خیال و واقعیت

روایت می‌شود. شاید اگر مخاطبان یک بار دیگر فیلم را ببینند، متوجه موضوع‌های بیشتری از آن شوند و این بار دیگر برایشان آنچنان تلخ نخواهد بود.» کارگردان «روشن» درباره اینکه چرا به سمت روایت داستانی تا این اندازه تلخ رفته توضیح داد: «پیش‌تر هم این کار را کردم؛ در فیلم «زندگی خصوصی آقا و خانم م»، «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» و «اتاق تاریک» نیز همین نگاه را شا‌ه‌دیم.

اتفاقاً در حال تلاشم تا روشن‌تر داستان

شماست و محترم. ولی شخصیت روشن نسبت به پیرامونش نگاه روشنی دارد. امیدوارم همه چیز روشن شود و در ادامه اتفاقات بهتری برای همه ما رخ دهد.»

■ متفاوت به اندازه همه مادران جهان

فاطمه معتمد آریا بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر از جمله بازیگرانی است که در هر کار خود اتفاق تازه‌ای را رقم می‌زند که با تشویق و استقبال مخاطبان و منتقدان سینما همراه است. او امسال با بازی در نقش یک

در نتیجه هر وقت نقش مادر را بازی می‌کنم در هر موقعیت و در هر سن برایم جذاب است.» این بازیگر همچنین درباره ایفای نقش‌های متفاوت در کارنامه کاری‌اش که با وجود تفاوت بسیار، باورپذیری بالایی را نیز به مخاطب القا می‌کند، گفت: «اولین عامل در این موضوع تیزهوشی بازیگر در انتخاب سناریو است که خیلی مهم است. فائق آمدن بر وسوسه‌های مالی و تجربه تربیتی بازیگر نیز از جمله مواردی است که به هر بازیگری کمک می‌کند تا متفاوت باشد.»

■ از چالش جدید استقبال می‌کنم

هوتن شکبیا بازیگر تئاتر، سینما تلویزیون پس از دریافت سیمرغ بلورین سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر در این دوره نیز با بازی در دو فیلم «ایلق» و «تی‌تی» یکی از شانس‌های اصلی

شرایشش می‌شود. نه اینکه قبلاً متوجه نبوده ولی به خاطر فشار زندگی سعی کرده آن را با بی‌خیالی رد کند. فکر می‌کنم اتفاق انتهایی فیلم سبب می‌شود که او به دختر و همسرش بیشتر توجه کند و فضایی امن‌تر را برای آنها ایجاد کند.» این بازیگر در ادامه افزود: «او حداقل تمام زور خود را می‌زند. اینکه شرایط اقتصادی یا شرایط اجتماعی این اجازه را به او نمی‌دهد بحث دیگری است. ولی اینکه همه جوره در حال تلاش بوده، جذاب است.» شکبیا با تأکید بر اینکه تغییر در زندگی شخصیت‌هایی مثل نقشه‌ای که در فیلم «ایلق» بازی کرده باید از طرف خود فرد و جامعه همراه باشد، بیان کرد: «جامعه تک‌تک خود ما هستیم. در نتیجه وقتی ما بتوانیم در خود تغییری ایجاد کنیم، جامعه نیز

شانس یا با یار بود، اکنون به‌عنوان یکی از سوپرستارهای سینمای ایران شناخته می‌شد. سینما برای سیاوش در سال ۷۹ و با بازی در فیلم «بچه‌های بد» علیرضا داوودنژاد آغاز شد و با بازی در اپیزودی در سریال «باران عشق» ساخته احمد امینی و فیلم «غیرمنتظره» محمدهادی کریمی ادامه پیدا کرد، اما ابتدای او به بیماری ام‌اس مانع ادامه فعالیتش شد. سیاوش حکمت شعار پس از سال‌ها در فیلم «ایلق» نرگس آریار به سینما برگشته است. او در این فیلم نقش یک فرد دارای معلولیت را بازی می‌کند که شاید به زندگی این روزهایش شباهت داشته باشد.

حکمت‌شعار درباره بازگشت به سینما بعد از سال‌ها گفت: «بعد از ابتلا به بیماری ام‌اس خیلی زود فراموش شدم. حکایت من در این ۱۸ سال همان شعری است که می‌گویند «ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد». خانم آریار به من اعتماد کرد و این فرصت را به من داد تا بتوانم برگردم و انگیزه‌ای برای بلند شدن از این وضعیت پیدا کنم که اتفاقاً تاکنون موفق هم بوده‌ام.»

او در عین حال گفت که از بازگشت به سینما خوشحال است، اما در این ۱۸ سال به لحظه‌های بودن و لحظه‌های بسیار زیاد نبودن عادت کرده است. این بازیگر در پاسخ به این پرسش که آیا عدم توجه به او در این سال‌ها از روی ناآگاهی یا شرایطش بوده یا دلیل دیگری داشته توضیح داد: «نبودن از بی‌مهری بوده است. بی‌مهری دوستان، هنرمندان و خیلی از افرادی که در این ۱۸ سال یا نبودند یا همان اندازه انگشتان دستی هم که حضور داشتند با دوربین آمده و دنبال اتفاق دیگری بودند که خیلی دردناک است.»

حکمت‌شعار در پایان گفت: «خیلی خوب جنس توجه آدم‌ها را می‌فهمم. اگر بازی در فیلم «ایلق» را قبول کردم خانم آریار یک مقدار متفاوت‌تر از جنس محبت‌های دیگران بود. خانم آریار آدمی که یک روز باشد و یک روز نباشد نبودند و این ارزشمند است.»

سیاوش حکمت شعار:

جنس توجه آدم‌ها را می‌فهمم. اگر بازی در فیلم «ایلق» را قبول کردم به این خاطر بود که جنس همراهی خانم آریار متفاوت از محبت‌های دیگران بود

تغییر می‌کند. به هر حال آدم‌ها باید برای بهتر کردن شرایط تمام تلاش خود را بکنند.» این بازیگر همچنین درباره ادامه راه خود در دنیای بازیگری و نقش‌هایی که قرار است بازی کند، توضیح داد: «خیلی چارچوبی در چالش جدیدی باشد قبول می‌کنم؛ در واقع باید بگویم اگر نقشی را دوست داشته باشم قطعاً آن را بازی می‌کنم.»

■ ای‌وای بر اسیری کز یاد رفته باشد

سیاوش حکمت شعار بازیگر

سال‌های دور سینمای ایران است که اگر

هوتن شکبیا:

جامعه تک‌تک خود ما هستیم. وقتی در خود تغییری ایجاد کنیم، جامعه نیز تغییر می‌کند. آدم‌ها باید برای بهتر کردن شرایط تمام تلاش خود را کنند

گرفتن سیمرغ بهترین بازیگر مرد امسال نیز شناخته می‌شد. او در فیلم «ایلق» ایفاگر نقشی متفاوت است؛ جوانی عصیانگر که آنچنان که باید به همسر و فرزندش توجه نکرده است، اما وقوع یک اتفاق منجر به تغییری در شخصیت او می‌شود.

شکبیا در پاسخ به اینکه آیا اتفاق پایانی سبب تغییر مسیر زندگی شخصیت مرد می‌شود، گفت: «ما فقط یک برش کوچک از این تغییر را می‌بینیم و بعد از آن فیلم تمام می‌شود، ولی انگار این آدم تازه متوجه

فاطمه معتمد آریا:

میلیون‌ها مادر در سراسر دنیا هستند که هیچ‌کدام شبیه دیگری نیستند؛ در نتیجه هر وقت که نقش مادر را بازی می‌کنم در هر موقعیت و در هر سن برایم جذاب است

روح‌الله حجازی:

هر کدام از مواردی که در فیلم بیان می‌شود در درد می‌آورد و دوست دارم که راجع به آنها حرف بزنم. شاید جامعه ما هم مقداری تلخ‌تر شده است.» کارگردان فیلم «اتاق تاریک» در پاسخ به این پرسش که آیا روایت تاریکی‌های زندگی در برابر اسم فیلم که «روشن» است، کنایه‌ای به زندگی حال ماست، گفت: «اسم فیلم روشن است چون شخصیت اصلی داستان ما همه چیز را روشن و از قاب سینما می‌بیند. زندگی تاریک تحلیل

بگویم. هر کدام از این موارد که در فیلم بیان می‌شود دردهایی است که قلبم را به درد می‌آورد و دوست دارم که راجع به آنها حرف بزنم. شاید جامعه ما هم مقداری تلخ‌تر شده است.» کارگردان فیلم «اتاق تاریک» در پاسخ به این پرسش که آیا روایت تاریکی‌های زندگی در برابر اسم فیلم که «روشن» است، کنایه‌ای به زندگی حال ماست، گفت: «اسم فیلم روشن است چون شخصیت اصلی داستان ما همه چیز را روشن و از قاب سینما می‌بیند. زندگی تاریک تحلیل